

کودکی

توران میرهادی، غم‌های بزرگ را به کارهای بزرگ تبدیل کرد



● **محمدهادی محمدی**

● بررسی دفتر زندگی توران میرهادی برای سال‌ها می‌تواند برترین آموزه‌ها را برای زندگی همگان داشته باشد. همه آنها که به توران میرهادی نزدیک بوده‌اند، می‌دانند که او در سال‌های آخر زندگی همیشه با صدای بلند می‌گفت: شکر برای همه چیز، برای اینکه زندگی، چنین پدرومادری، چنین سرنوشتی و چنین امکاناتی در اختیار من گذاشت تا بتوانم یک عمر ببینم، بشناسم و سرشار از همه چیزهای خوب هستی شوم! اکنون میرهادی دیگر میان ما نیست، اما نگاهی گذرا به زندگی او نشان می‌دهد که او چه در حوزه خصوصی و چه در حوزه عمومی از رفتارهای خویش خشنود بوده است. خشنودی در زندگی خصوصی به معنای نبودن دشواری‌ها و وضعیت‌های دردناک در زندگی شخصی نیست. میرهادی در طول سالیان افراد خانواده اش را ازدست داد؛ تنها یکی از این وضعیت‌های دردناک ممکن است هر آدمی را از پا بیندازد. سخن او در این میان که به نقل از مادرش می‌گفت «غم‌های بزرگ را به کارهای بزرگ تبدیل کن» برآمده از همان اتیک یا اخلاقی است که مرجع زندگی اوست. زندگی، صحنه‌های بی‌دری می‌ان هست و نیست است. آن‌گونه که ژان پل سارتر می‌گوید: میان دیگری و من، نیستی فاصله می‌اندازد. این نیستی نه از من ریشه می‌گیرد، نه از دیگری و نه از رابطه متقابل دیگری و من؛ بلکه برعکس، این نیستی از ابتدا، پایه هرگونه رابطه‌ای میان دیگری و من است.

سیاس میرهادی از هستی چنان ژرف بود که جای هیچ شکی نمی‌گذاشت که او این غم‌ها را بخشی از روند هستی می‌دانست. به‌راستی ریشه چنین سیاسی از هستی و زندگی در کجاست؟ چرا بسیاری از آدم‌ها در جمع‌بندی زندگی خود با تلخی از آنچه بر آنها گذشته یاد می‌کنند و تنها اندک آدم‌هایی پیدا می‌شوند که چنین در آرامش گذشته و زندگی خود را مثبت و سرشار از نیکی‌ها ارزیابی می‌کنند؟ کسانی چون توران میرهادی که روزگاری بلند را با توشه‌ای برگرفته از خردمندی و اخلاق زیسته‌اند، بهتر از هرکسی می‌دانند که واقعیت زندگی و هستی چیست، پس بی‌در به خویشتن سخن می‌گویند. راز بزرگ سپاس میرهادی از هستی، در آرامشی است که همین هستی به او داده. هرکسی در ایستگاهی از زندگی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی یا فرجامین از زندگی خویش می‌پردازد. از آن‌دنگی سرشار از همه آن چیزهایی باشد که می‌خواستیم، به حالتی می‌رسیم که در اخلاق اجتماعی به آن می‌گوییم آرامش فرجامین. آرامش فرجامین نه امر دستوری است و نه امری ارادی؛ یعنی نه با دستور می‌توان به آن رسید و نه با کنش ارادی. بلکه بیش از همه پدیده‌ای درونی است که برآمده از وجدان یا آگاهی شخص از کنش‌ها و رفتارهای خویش در فرایندی برابر با یک زندگی است. آرامش نهایی یا آرامش فرجامین در طبیعت انسانی امری نایاب و دیرپاب است که هرکسی را سزاوار و فایسته رسیدن به آن نیست. آرامش فرجامین با اتیک یا علم اخلاقی یا اخلاق اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد و به‌همین دلیل است که هرکسی در زندگی نمی‌تواند به آن برسد. هنگامی که شخصی در دنیای مدرن در بستر کنش‌های اجتماعی به آرامش فرجامین می‌رسد، زندگی او می‌تواند پایهای برای بررسی قرار گیرد که چه چیزهایی او را به آرامش فرجامین رسانده است. از این دیدگاه زندگی توران میرهادی بررسی‌پذیر است، اما توران میرهادی بیش از اینکه اسطوره باشد، انسان بود. زیرا که اسطوره‌سازی خود ناسازگار با سیمای این‌جهانی اتیک یا اخلاق اجتماعی است. او نه پهلوان بود و نه قهرمان، بلکه در همه ابعاد وجودی یک انسان بود با توانایی‌ها و ناتوانایی‌هایی که هر انسان دیگری می‌تواند داشته باشد. با این‌همه او شاخص یا الگویی برای اتیک یا اخلاق اجتماعی در جامعه امروز ایران است. او الگویی از اخلاق اجتماعی است زیرا میان رفتارها و کنش‌های او یگانگی و تعادلی معنادار وجود داشت. اگر برخی از مقوله‌ها و مفاهیم اخلاق اجتماعی را مانند مسئولیت، وظیفه یا خویش‌کاری، پایبندی به حقوق دیگران، پایبندی به قانون، باور به ارزش‌هایی مانند دوستی و صلح و مدارا را پیش بگیریم، او در همه این زمینه‌ها در برابر وجدان خود به آرامش و آسودگی فرجامین رسیده بود.

اما پرسش بنیادین این است؛ در جامعه‌ای که سیمای ناآرامی دارد، چگونه در آن آرامش فرجامین فرد اهمیت می‌یابد؟ پاسخ به این پرسش بنیادین در آن است که آگاهی فردی گرومذکشی از دشواری‌های سر راه بشر را نه در یک فضای رستخیزی می‌بیند که برآمده از نگرش ایدئولوژیک است و نه پایانی برای این دشواری‌های بی‌پایان انسانی تصور می‌کند. پدیده‌ای که بیشتر احساسی است و برآمده از آرمان‌های باشکوه اما ناممکن انسانی. در این وضعیت فردی که به آرامش فرجامین رسیده است، در جمع‌بندی کنش‌ها و رفتارهای خویش پاسخی آماده دارد که بیشتر چنین است: من به اندازه توان خود کوشیدم که چرخ زندگی را در راه‌های هموارتری قرار دهم، اگر این کار به اندازه موری یا مویی تأثیر گذاشت، پس من هم به هدفم رسیده‌ام. چنین بود که میرهادی توانست از آن غم‌های بزرگ، کارهای بزرگ بسازد.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۹ آذر ۱۳۹۵ ۲۹ صفر ۱۴۳۸ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۶ سال چهاردهم ● شماره ۲۷۴۰ ● صفحه ۵۵ ● اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ ● اذان مغرب ۱۷:۱۱ ● اذان صبح فردا ۵:۴۶ ● طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

● **ساسان خادم**



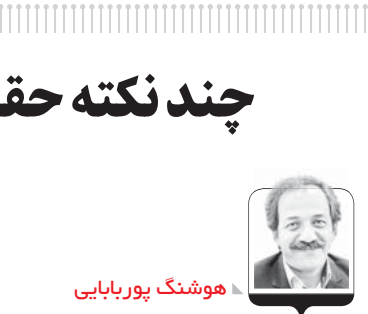
گزارش فردا

خانه تاریخی ملاشمس و تخریب مظلومانه

● **سعید برآبادی**

خبر کوتاه است: «خانه ملاشمس در سبزار و تخریب شد»، اما این روزها که از این سو و آن سوی ایران، خبر ویرانی خانه‌های تاریخی مدام به گوش می‌رسد، شاید چنین خبری چندان به چشم نیاید، یا خاطر رئیس جدید سازمان میراث فرهنگی را آزرده نکند. رئیس جدید تا آشنایی کامل با فهرست بیش از هزار خانه تاریخی ثبت‌شده و ده‌ها هزار خانه ثبت‌نشده اما ارزشمند سراسر ایران، راهی دورودراز در پیش دارد. بنابراین سؤال اینجاست که چرا خبر تخریب خانه ملاشمس و خانه‌های تاریخی گوشه‌وکار ایران تا این اندازه مهم است؟

رئیس کمیسیون گردشگری و سرمایه‌گذاری شورای شهر سبزار به «شرق» می‌گوید که این خبر مهم است، نه به این خاطر که تخریب این خانه ارزشمند تاریخی در شهر زادگاه او اتفاق افتاده، بلکه به این خاطر که هنوز راه‌حلی برای توقف زنجیره این تخریب‌ها در کشور پیش‌بینی نشده: «واقعیت این است که قانون از خانه‌های تاریخی حمایت نمی‌کند. در همین سبزار بیش از ۲۵ خانه تاریخی داشته‌ایم، اما امروز از این تعداد، چند خانه باقی مانده است؟ نزدیک به ۱۰ خانه را مالکان از ثبت خارج کرده‌اند و هرروز ممکن است به بهانه‌ای مورد تخریب قرار بگیرند و شهر را از خاطره خود خالی کنند». اشاره او به خانه‌هایی چون خانه «بیدخوری»، «خانه چشمی»، «خانه امیری»، «خانه فروغی»، «خانه افچنگی» و بسیاری از خانه‌های تاریخی دیگر شهر است که اگر برای آن فکری اساسی نشود، کلنگ نابودی‌شان به‌زودی به زمین خواهد خورد. «در کنار خلا قانونی، مشکل دیگر ما وقتی بروز می‌کند که این خانه‌ها از سوی شهرداری یا میراث، برای حمایت برداری می‌شوند. نمونه‌اش در سبزار، خانه بسیار مهم و زیبای جعفرزاده است. این خانه را ۱۰سالی می‌شود که میراث خریده، اما هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌کند



● **هوشنگ پوربابایی**

اصل ۸۶ قانون اساسی، اصل مصونیت قضائی نمایندگان محترم مجلس است. در این اصل آمده که «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند با آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». همچنین، در ماده ۷۵، آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز، این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است که اظهارنظر نمایندگان در مقام ایفای مسئولیت، آزاد و مصون از تعقیب است. در تأیید مصونیت نمایندگان مجلس، به این دو مقررہ، باید ماده ۹ قانون نظارت بر رفتار نمایندگان را نیز افزود. قانون با این سه مقررہ، در نظر داشته که اجازه دهد نمایندگان ملت، به‌عنوان وکلای ملت درخصوص هر موضوعی اثباتاً یا نفیاً اظهارنظر کنند و مدافع حقوق ملت باشند و در این خصوص با هیچ محدودیت و تنگنایی مواجه نشوند، اما این اظهارنظر‌ها باید مستلزم توهین و افترا به اشخاص دیگری نباشد؛ به عبارت دیگر، نمایندگان نمی‌توانند از مقررات

ابر و باد

یک‌کی فالور چند تومان است؟

● **آراده تاجعلی**

جدول زمان‌بندی برای قطع برق، جدولی که هزاران خانوار در مازندران آن را دانلود کردند تا ساعت‌های روشنی موبایل و کارکردن در پارکینگ‌ها را با اقوام تقسیم کنند؛ کاری مثل تقسیم شادی‌ها که روزگاری گمان می‌کردیم فقط برای صدقه‌دادن مصداق دارد. گرچه امروز، بحران قطعی برق و گاز، نه به دلیل مدیریت که به دلیل طبیعت هوا تمام شده است، باید هراس داشت که قطعاً تکرار می‌شود و زندگی مردم یک جغرافیا را دوباره فلج می‌کند؛ مردمی که پس از گذشت سال‌ها از لوله‌کشی گاز طبیعی و خداحافظی‌شان با کپسول‌های فروت گاز مایع، هنوز نه رسانه‌ها و نه دولت آموزش‌شان نداده که انرژی چیست و چگونه باید با آن رفتار کرد.



به نظر می‌رسد همین روزها با شنیدن اخبار تساوی مصرف گاز طبیعی در ایران و اتحادیه اروپا باید پیش از توسعه کمپین‌های «با حیوانات مهربان باشیم»، به صرافت تشکیل یک کمپین بیفتیم که با خودمان و انرژی‌های سبزمنیمان مهربان باشیم. گرچه اکنون ارزش در این است که در شبکه‌های اجتماعی چند پله رایگی کنیم و با همذات‌پنداری کاذب یا ۲۸ کشوری که به اندازه یک کشور ما گاز مصرف می‌کنند، عکس حیوانات دربرف مانده را منتشر و به آگاهی برخورد با حیوانات تبختر کنیم. درحالی‌که هنوز آگاهی نداریم که گاز و برق هم زبان‌بسته در دست ما گرفتار شده‌اند. آگاهی نداریم که اینها چگونه تولید می‌شوند و چرا نرخ گاز یک مازندرانی با فرزند به‌مهاجرت‌روپارفته‌اش تفاوت دارد. از خط‌کشی نقشه که بگذریم، اگر بخواهیم یک جامعه آماری را از میان لوکیشن خیابان فرشته در نظر بگیریم و بررسیم؛ برق به چه چیزی تولید می‌شود و هزینه به‌دست‌آوردن یک کیلووات برق چند تومان است؟ بعید است بدانند درحالی‌که همگی می‌دانند هزینه به‌دست‌آوردن یک کیِ فالور چند تومان است. چرا؟ زیرا از قانون چند پله یکی به‌خوبی استفاده کرده و خودمان را با ۲۸ کشور در پله آخر ترقی دیدیم؛ یعنی بدون دیدن هزینه‌های امساک آنان از مصرف آب، گاز و برق، فقط عکس‌های دست‌ودلبازی آنان با حیوانات را دیده‌ایم. حکایتی هست درباره مردی که سگش گرسنه بود و داشت برای حیوان زبان‌بسته گریه می‌کرد. از او پرسیدند چرا به سگت غذا نمی‌دهی؟ چون خشیس بود، گفت: گریه‌کردن برایم راحت‌تر است. ما هم راحت‌تر است به حال موجودات دربرف مانده گریه کنیم تا یاد بگیریم برای خودمان کاری کنیم؛ مثلاً بایموزیم اگر کار ارزان را تا لحظه ته‌کشیدن بسوزانیم، برق هم قطع می‌شود زیرا ماده اصلی تولید برق در کشور ما گاز طبیعی است و البته هستند بنگاه‌های بزرگی که برای ترکیب گاز و بخار به‌عنوان مولد برق در تلاشند، اما تا سیکل ترکیبی‌شدن نیروگاه‌ها، بهتر است نخست سیکل معیوب آموزش و تولید تبختر را درست کنیم. اگر نه، صف دانلود جدول قطع برق، از بندپی علیا به فرشته می‌رسد.

سلام به فردا

چند نکته حقوقی درباره جلب نمایندگان مجلس

مقام قضائی قصد احضار وی را داشته باشد، احضار وی باید از طریق هیأت‌رئیس به هیأت نظارت ابلاغ شده تا این هیأت با ترکیبی که در قانون مشخص شده، تشخیص دهد که آیا اظهارنظر نماینده مجلس در زمره وظایف نمایندگی اوست یا خارج از وظایف او تلقی می‌شود. چنانچه موضوع اظهارنظر، داخل وظیفه نماینده تلقی شود، وی مصون از تعقیب قرار گرفته و قابلیت پیگرد ندارد، اما چنانچه تشخیص این هیأت بر خروج موضوعی مصونیت باشد، بنا بر این مراتب به مقام قضائی اعلام می‌شود تا وی تعقیب خودش را ادامه دهد. خارج از این موضوع، بنابر شنیده‌هایی که درخصوص نحوه مراجعه برای جلب نماینده مجلس صورت گرفته، باید به اطلاع رسانند که در مقررات آیین‌نامه دادرسی کیفری، اصل بر احضار فرد است. در صورتی که فرد احضار‌شونده در موعد مقرر حاضر نشود یا عذر موجه برای حضور نداشته باشد، مقام قضائی می‌تواند نسبت به جلب وی، آن‌هم در طول روز -که از طلوع خورشید تا غروب آن است- اقدام کند. بنابراین به فرض آنکه نماینده محترم، مرتکب جرمی غیر از وظایف نمایندگی شده باشد و مصونیت قضائی هم نداشته باشد، نحوه احضار و مراجعه برای دستگیری وی، به ترتیبی که در رسانه‌ها آمده، محل تأمل و اشکال است که باید علاوه بر نماینده مجلس، به‌عنوان وکیل، برای موکلان وی هم احترام قائل شود.

نکته

این دود به چشم همه می‌رود!

● **نیره توکلی**

جشن باشد و چه غزا، دارند با موتورهای گازوئیل‌سوز کار می‌کنند و دودهای بسیار زیبا و لازمی را در آسمان شهر پخش می‌کنند؛ از آلودگی صوتی آنها سخن نمی‌گوییم. ده‌ها کارگاه برج‌سازی و ساختمان‌سازی، هم‌زمان در معابر باریک هفت، هشت متری تهران، بی‌وقفه گازوئیل می‌سوزانند و هوای سیاه شهر تهران را سیاه‌تر می‌کنند و هر چیز و هرکس که تعطیل شود، چه تعطیلی مدارس و چه مرگ‌ومیر آدم‌ها، بر اثر آلودگی هوا، کار آنها تعطیلی‌بردار نیست، کار آنها آلودگی نیست؛ حتماً دود گازوئیل ژنراتورهای برق کارگاه‌های ساختمان‌سازی، چون بی‌وقفه تولید می‌شود، دود به شمار نمی‌آید، موضوعی است کاملاً طبیعی و سازگار با ریه‌های آدم‌ها و دیگر موجودات جاندار. می‌گویند کاروکسب را که نمی‌شود تعطیل کرد و مردم را از نان‌خوردن انداخت؛ آیا تجارت نابودکردن باغ‌ها و افزودن بر تراکم بی‌رویه در کوچه پس‌کوچه‌های باریک شمال شهر و تولید دود گازوئیل و آلودگی صوتی و بی‌اعتنایی به آرامش و سلامت مردم و مرگ‌ومیر روزافزون آنها، از تجارت مواد مخدر و کارآفرینی با مواد مرگ‌آفرین بهتر است؟ چه کسی مسئول این هجوم و تاخت‌وتاز بی‌رحمانه و بی‌سابقه به محیط زیست شهر تهران است؟ چه کسی باید از منافع مردم عادی و کودکان و سالمندان و زنان باردار در برابر منافع اقلیت برج‌ساز دفاع کند؟ این دود به چشم همه می‌رود، هرچند دود گازوئیل را برتر از دود خودروهای بنزین‌سوز بدانیم؛ حتی اگر در برابر نابودی محیط زیست تهران سکوت کنیم، حتی اگر نادیده بگیریم که شمال شهر مرفه بی‌در نیست، ریه شهر تهران است، حتی اگر تصور کنیم یکنانه کارآفرینی برج‌سازی است و یک کارآفرینان برج‌سازان هستند و گردشگری و هوای سالم و میزبانی رویدادهای ورزشی، درآمد ملی و کارآفرینی در پی ندارد. حتی اگر فقط بوژروازی مستغلات را نماینده سرمایه‌داران ملی بدانیم؛ حتی اگر منافع کوتاه‌مدت معدودی را تأمین کند و برای خود آنها و فرزندانشان و فرزندان دیگران بیماری و مرگ‌ومیر به همراه داشته باشد! این دود به چشم و ریه همه می‌رود!

تجربه دیگران

گرمای محبت در سرمای آینه و آب

وجود اینکه بیرون از سالن هوا به‌شدت سرد است و نمی‌توان برای چند ثانیه ایستاد، داخل سالن اما گرمای صمیمیت باعث شده کسی احساس سرما نکند. هیچ‌کس هم خسته نیست، چون همه از نزدیک‌ترین دوستان همدیگر هستند و چه کاری بهتر از آنکه در کنار بهترین دوستانتان و پارزش‌ترین عزیزترین فرد زندگی‌تان باشید و کاری هم انجام دهید که همه دوستش دارند. استاد هم حضور دارد و با دانشجویانش همکاری می‌کند. دوروز است که از صبح تا شب با شور کار می‌کنند تا بتوانند یک نمایشگاه «برومند» که بتواند رضایت‌بازدیدکنندگان را به همراه داشته باشد، ایجاد کنند. صبح روز شنبه، در حال نواختن نام، روی کارت‌های دعوت‌ها است و به استقبال زیاد دانشجویان، مردم و مسئولان افتتاح شد. این نمایشگاه که به نام «آینه و آب» از آن یاد می‌شود و این دوره پنجم آن است، همه‌ساله از سوی دانشکده تازه‌تأسیس «ژورنالیسم و ارتباطات جمعی» برگزار می‌شود که در آن یک عکس به‌عنوان یک سیستم صوتی در حال خواندن آهنگ است. با «عکس منتخب» انتخاب می‌شود.

اخترمحمد ماگویی؛ فضا دوستانه و صمیمی است؛ عده‌ای از دانشجویان، در حال کار برای ایجاد یک نمایشگاه چهارروزه هستند که قرار است در آن عکس‌های منتخب از دانشجویان دانشکده روزنامه‌نگاری به نمایش گذاشته شود. طبقه سوم دانشکده هنر دانشگاه هرات است که با یک سالن بزرگ میزبان بیشتر نمایشگاه‌های این دانشگاه است. همه مشغول کاری هستند؛ سه دانشجوی دختر در حال دوخت پارچه‌ای تزئینی برای مراسم افتتاحیه هستند که طبق برنامه قرار است افراد بلندمرتبه دولتی و نظامی در آن حضور داشته باشند. گوشه‌ای دیگر هم فردی که خط خوبی دارد، عده‌ای هم در حال چسباندن عکس‌ها روی تخته که بتوان آن را از بخشی که برای این کار در سالن ایجاد شده است، آویزان کرد. یک دوربین هم در حال ثبت این لحظات ناب سرشار از محبت و خنده است تا این فضای دوستانه ماندگار شود. در گوشه‌ای هم یک سیستم صوتی در حال خواندن آهنگ است. با